



## فقه ۳

کرایش تفسیر و علوم قرآن

درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

## درس ۲۹

کتاب ارث

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای باقریان

## مقدمه

حَجَب، حالت وارثی است که به واسطه ی علتی مانند وجود وارث دیگر، از ارث بردن به صورت کلی یا جزئی محروم می شود. حجب، دو صورت دارد که در یکی از آنها محجوب از اصل ارث محروم می شود و در صورت دیگر، محجوب از بخشی از ارث محروم می شود. احکام مصادیق هر یک از این دو حالت، در این درس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در ادامه، به مستندات احکام حجب خواهیم پرداخت که از جمله آنها، حاجب بودن طبقه سابق برای طبقه لاحق، حاجب بودن کفر، و شرایط حاجب بودن اخوه برای مادر است.

## متن عربی

و الثانی له موردان: حجب الولد، و حجب الاخوة للأم عما زاد على السدس.  
و شرط حجب الاخوة ما يلي:

١- ان يكونوا رجلين فصاعدا او رجلا و امرأتين او اربع نساء.

٢- ان يكونوا للأبوين او للأب فقط و لا يكفي كونهم للأم.

٣- ان يكونوا منفصلين بالولادة فلا يكفي كونهم حملا.

٤- ان يكونوا مسلمين و احرارا.

٥- ان يكون الاب حيا.

و المستند في ذلك:

١- اما ان الحجب على نحوين فواضح، فان الحاجب تارة يمنع المحجوب من الارث رأسا فيكون حجه ح جب حرمان،  
و اخرى يمنعه من بعض الارث فيكون حجه حجب نقصان. و مصاديق كل واحد من القسمين قد اشير اليها في المتن.  
٢- و اما ان كل طبقة لاحقة تحجب بالطبقة السابقة فهو من واضحات الفقه و مما لا خلاف فيه بين المسلمين و تأتي ان  
شاء الله تعالى في مطاوى الابحاث الآتية بعض الروايات التي يستفاد منها ذلك.

و اما حجب افراد الطبقة الواحدة بعضها لبعض فواضح، فان الاقرب منهم يمنع الابعد لقاعدة اولى الارحام، فالولد يمنع ولد  
الولد، و الاخ يمنع ولد الاخ، و الجد يمنع اياه، و الاعمام و الاخوال و أولادهم و ان نزلوا يمنعون اعمام الاب و اخواله.  
٣- و اما الحجب بالكفر فهو مما لا خلاف فيه، فالكافر لا يرث المسلم، بخلاف المسلم فانه يرث الكافر. و النصوص في  
ذلك مستفيضة، كصحيحة جميل و هشام عن ابي عبد الله عليه السلام : «روى الناس عن النبي صلى الله عليه و آله انه  
قال: لا يتوارث اهل ملتين قال: نرثهم و لا يرثونا، ان الإسلام لم يزد في حقه الا شدة» و غيرها. و قد دلت الصحيحة  
على ان المراد من الحديث النبوي المشهور الدال على نفى التوارث بين اهل ملتين هو نفى التوارث من الطرفين لا نفيه  
حتى من طرف واحد.

## موانع ارث

دانستیم که حجب به دو صورت تحقق می‌یابد: حجب حرمانی و حجب نقصانی.

### مصادیقی از حجب حرمانی

در حجب حرمانی، شخص محجوب، از ارث به طور کلی محروم می‌شود و هیچ سه می از ماترک به وی تعلق نمی‌گیرد. از جمله عواملی که موجب حجب حرمانی می‌شوند می‌توان به قتل و کفر اشاره نمود؛ به عبارت دیگر، شخص کافر در هیچ صورتی از شخص مسلمان ارث نمی‌برد و کفر او موجب ایجاد حجب است. همچنین قتل عمدی در صورتی که به ناحق باشد، شخص قاتل را از به ارث بردن ماترک مقتول محروم می‌کند.

بعضی افراد نیز موجب ایجاد حجب حرمانی می‌شوند؛ مثلاً وجود طبقات مقدم ارث مانع از ارث بردن طبقات مؤخر می‌شود. به عبارت دیگر، در صورتی که شخصی از طبقه ی اول ارث موجود باشد، طبقات دوم و سوم از ارث محروم هستند و نیز اگر شخصی از طبقه دوم موجود باشد، افراد مندرج در طبقه ی سوم از ارث محرومند؛ بنابراین می‌توان گفت که وجود افراد مندرج در هر طبقه از ارث، حاجب وارثان طبقات بعدی هستند. در هر یک از طبقات ارث نیز خویشاوندانی که به میت نزدیکتر هستند، مانع از ارث بردن خویشاوندان دورتر در همان طبقه می‌شوند و حاجب حرمانی خویشاوندان دورتر در همان طبقه هستند.

### مصادیق حجب نقصانی

حاجب نقصانی، تنها دارای دو مصداق می‌باشد:

**الف: فرزندان؛** که حاجب نقصانی زوج و زوجه هستند و سهم زوج را از نصف ترکه به یک چهارم و سهم زوجه را از یک چهارم ترکه بیک هشتم کاهش می‌دهند.

**ب: اخوه؛** که در صورت فراهم بودن شرایط حجب، حاجب نقصانی مادر میت هستند و سهم او را به سدس کاهش می‌دهند.

### شرایط حاجب بودن اخوه

مراد از اخوه، برادران و خواهران میت می‌باشند که با وجود مادر میت، از ارث محروم هستند ولی در صورت فراهم بودن شرایط، سهم مادر میت را از ثلث ترکه به سدس کاهش می‌دهند و باقیمانده ترکه به عنوان «رد» به پدر تعلق می‌گیرد.

شرایطی که با وجود تحقق آنها اخوه حاجب نقصانی مادر می‌شوند عبارتند از:

۱. اخوه شامل دو برادر یا بیشتر و یا یک برادر و دو خواهر و یا چهار خواهر باشند؛ بنابراین در صورتی که اخوه میت با یکی از موارد ذکر شده تطبیق نکند، نمی‌توانند حاجب نقصانی سهم مادر باشند.

۲. اخوه میت، کلاله<sup>۱</sup> ابوینی و یا کلاله ابی میت باشند؛ بنابراین کلاله امی میت مطلقاً نفی توانند حاجب مادر باشند و سهم او را به سدس تقلیل دهند.
۳. اخوه میت باید هنگام مرگ میت، متولد شده و زنده باشند؛ بنابراین، اگر اخوه میت هنگام مرگ وی حمل باشند و متولد نشده باشند حاجب مادر نیستند، هر چند که زنده متولد شوند.<sup>۲</sup>
۴. اخوهی میت، مسلمان و حر باشند؛ بنابراین در صورتی که اخوه میت مسلمان نباشند و یا عبد یا کنیز باشند، حاجب مادر نیستند<sup>۳</sup> و مانع از ارث نفی شوند.<sup>۴</sup>
۵. پدر میت، زنده باشد؛<sup>۵</sup> پس اگر پدر میت زنده نباشد، حجب بر مادر تأثیری ندارد؛ زیرا در هر صورت مادر فرض خویش را می‌برد و باقیمانده ترکه را نیز به عنوان ردّ تصاحب می‌کند، بنابراین تمام ترکه به او تعلق می‌گیرد.

### تطبیق

و الثانی له موردان: حجب الولد، و حجب الاخوة للأم عما زاد علی السدس. حجب نقصان دو مورد دارد: حجب ولد و نیز حجب اخوه مادر میت را از زیاده از سدس و شرط حجب الاخوة ما یلی:

شرط حاجب شدن برادران عبارت است از:

۱- ان یكونوا رجلین فصاعداً او رجلاً و امرأتین او اربع نساء.

اخوه دو مرد یا بیشتر باشند یا یک مرد و دو زن یا چهار زن.

۲- ان یكونوا للأبوين او للأب فقط و لا یکفی کونهم للأم.

کلاله ابوینی یا کلاله ابی باشند و کلاله امی کفایت نمی‌کند.

۳- ان یكونوا منفصلین بالولادة فلا یکفی کونهم حملاً.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup>. مراد از کلاله، برادران و خواهران میت است؛ که در صورت مشترک بودن میت با آنها تنها در پدر، کلاله ابی نامیده می‌شوند و در صورت مشترک بودن میت با آنها در پدر و مادر، کلاله ابوینی نامیده می‌شوند و در صورت مشترک بودن میت با آنها تنها در مادر، کلاله ا می‌نامیده می‌شوند.

<sup>۲</sup>. اگر اخوه متوفی یا وی در یک زمان بمیرند، حاجب مادر نیستند، هر چند که سبب مرگ، غرق و هدم باشد. ر. ک به حقوق مدنی، دکتر امامی، جلد ۳، ص ۲۰۷.

<sup>۳</sup>. اگر یکی از اخوهی میت قاتل او باشد، مانعی در حاجب بودن ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین اگر خویشاوندان میت عبارت باشند از مادر، پدر و دو برادر که یکی از آن دو قاتل میت باشد، مادر از بیش از سدس ترکه محروم خواهد بود.

<sup>۴</sup>. این مسأله که آیا در صورت حمل بودن یکی از برادر و خواهرها، حاجب مادر هستند و یا چون هنوز به دنیا نیامده اند حاجب نیستند، میان حقوقدانان ایران مورد اختلاف است (ر. ک. به حقوق مدنی، دکتر امامی، ج ۳، ص ۲۰۷) برای دیدن نظری که حمل را حاجب نفی داند، ر. ک به دکتر جعفر لنگرودی، همان کتاب، شماره ۱۹۰. هر چند که نظر نخست با اطلاق ماده ۸۹۲ قانون مدنی سازگارتر می‌باشد.

<sup>۵</sup>. ممکن است برخی از اخوهی میت، شرایط مندرج در شماره های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ را نداشته باشند اما تعداد اخوه ای که واجد شرایط هستند، مطابق با شرط مندرج در شماره ی ۱ باشد؛ در این صورت نیز شرایط حاجب بودن محقق است؛ به عنوان مثال اگر بازماندگان میت عبارت باشند از مادر، پدر و سه برادر که یکی از آن سه، عبد است، مادر از بیش از سدس ترکه محروم خواهد بود.

<sup>۶</sup>. پس اگر به طریقی بدانیم که مادر میت به دو برادر آبستن است مانع از مازاد بر سدس نمی‌شود.

متولد شده و در خارج از رحم در حین مرگ مورث، زنده باشند بنابر این حمل بودن کفایت نمی‌کند.

۴- ان یکونوا مسلمین و احرارا.

مسلمان و حر باشند پس برادر یا خواهری که عبد است حاجب نیست.

۵- ان یکون الاب حیا.

پدر میت زنده باشد.

#### مصادیق حاجب نقصانی

- |   |   |
|---|---|
| (الف) فرزندان؛ که حاجب نقصانی پدر و مادر خویش هستند<br>(ب) اخوه؛ که با شرایطی حاجب مادر هستند | } |
|---|---|

#### شرایط حاجب بودن اخوه

- |   |   |
|---|---|
| (الف) اخوه شامل دو برادر و یا بیشتر و یا یک برادر و دو خواهر و یا چهار خواهر باشند.<br>(ب) کلاله‌ی ابوینی یا ابی میت بودن<br>(ج) متولد و زنده بودن هنگام مرگ میت<br>(د) مسلمان و حر بودن<br>(ه) زنده بودن پدر میت | } |
|---|---|

Sco1 ⇒ ۸:۴۸

#### مستند احکام یاد شده

##### ۱. دلیل تقسیم شدن حجب به حرمانی و نقصانی

دانستیم که انواع حجب عبارتند از حجب حرمانی و حجب نقصانی؛ دلیل تقسیم شدن حجب به دو قسم یاد شده، واضح است؛ چه آنکه حاجب، یا به طور کلی محجوب را از ارث بردن منع می‌کند که در این صورت حجب حرمانی به وقوع می‌پیوندد؛ و یا محجوب را تنها از مقداری از ارث منع می‌کند که در این صورت حجب نقصانی به وقوع پیوسته است.

مصادیق هر یک از دو نوع حجب، پیش‌تر ارائه شده است.

##### ۲. دلیل حاجب بودن طبقات مقدم نسبت به طبقات مؤخر

این حکم که طبقات مقدم ارث، مانع از ارث بردن افراد مندرج در طبقات مؤخر هستند، از جمله واضحات فقه است که فقها هیچ اختلافی در مورد آن ندارند؛<sup>۱</sup> طبق این حکم که می‌توان آن را قاعده‌ی فقهی نیز به شمار آورد، با وجود فرد یا افرادی در طبقه‌ی اول ارث، طبقات دوم و سوم از ارث محروم هستند؛ و در صورت وجود فرد یا افرادی در طبقه دوم ارث، طبقه‌ی سوم از ارث محروم هستند.

مستند این حکم، روایاتی است که در آینده برخی از آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

حاجب شدن برخی از افراد هر طبقه برای افراد دیگر در همان طبقه، مانند حاجب بودن ولد نسبت به نوه و یا حاجب بودن نوه نسبت به نبیره، به موجب قاعده فقهی «الاقرب یمنع الابعد» صورت می‌گیرد. به موجب این قاعده فقهی، افرادی که در هر طبقه نزدیک تر به میت هستند، حاجب افرادی از همان طبقه می‌شوند که دورتر به میت می‌باشند؛ به عنوان مثال، با وجود برادر میت، برادرزاده‌های او از ارث محروم هستند، و همچنین با وجود اعمام و احوال، فرزندان اعمام و احوال از ارث محرومند.

مستند قاعده‌ی فقهی یاد شده، آیه شریفه «اولوا الارحام» است که طبق آن برخی از خویشاوندان میت نسبت به برخی دیگر اولویت دارند.

### تطبیق

و المستند فی ذلک:

مستند مطالب پیش گفته عبارت است از:

۱- اما ان الحجب علی نحوین فواضح، فان الحاجب تارة یمنع المحجوب من الارث رأساً فیکون حجه حجب حرمان، دو نوع بودن حجب واضح است زیرا حاجب گاه منع می‌کند محجوب را از ارث بردن به طور کلی که حجب او حجب حرمان است

و اخرى یمنعه من بعض الارث فیکون حجه حجب نقصان. و مصادیق کل واحد من القسمین قد اشیر الیهما فی المتن. و گاه منع می‌کند از مقداری از ارث که حجب او حجب نقصان می‌باشد و به مصادیق هر یک از دو قسم در متن اشاره شده است.

۲- و اما ان کل طبقة لاحقة تحجب بالطبقة السابقة

حاجب بودن طبقه سابق نسبت به طبقه لاحق

فهو من واضحات الفقه و مما لا خلاف فيه بین المسلمین و تأتی ان شاء الله تعالی فی مطاوی الابحاث الآتیة بعض الروایات التي یستفاد منها ذلک.

از واضحات فقه است و در آن هیچ اختلافی بین مسلمانان نیست، و به خواست خدا در لابلای مباحث آینده به برخی از روایاتی که در این مورد می‌توان از آنها استفاده کرد اشاره خواهیم کرد.

<sup>۱</sup>. فقهای اهل سنت معتقدند هنگامی که فرائض کمتر از ارث است، باقیمانده‌ی ماترک را به عصبه می‌دهند. توضیح این مطلب در مباحث آینده تحت عنوان «عول و تعصیب» به تفصیل ارائه خواهد شد.

و اما حجب افراد الطبقة الواحدة بعضها لبعض فواضح، فان الاقرب منهم يمنع الابعد لقاعدة اولی الارحام، اما حاجب شدن افراد هر طبقه، بعضی نسبت به بعض دیگر واضح است؛ زیرا اقرب مانع ارث بردن ابعد است به سبب آیه «اولوا الارحام»، فالولد يمنع ولد الولد، و الاخ يمنع ولد الاخ، و الجد يمنع اباه، و الاعمام و الاخوال و اولادهم و ان نزلوا یمنعون اعمام الاب و اخواله.

پس فرزندان میت حاجب نوه‌های او هستند و مانند حاجب شدن برادران میت از ارث بردن فرزندان برادر میت، و مانع بودن جد از ارث بردن پدرش، و حاجب بودن اعمام و اخوال و فرزندان آنها هر چند با واسطه از ارث بردن اعمام و اخوال پدر.

Sco2⇒۱۴:۳۵

### ۳. دلیل حاجب بودن کفر

کفر، حاجب حرمانی است و مانع از این می‌شود که کافر از میت مسلمان ارث ببرد. حاجب بودن کفر به این صورت است که مانع ارث بردن شخص کافر از مسلمان می‌شود ولی نسبت به ارث بردن شخص مسلمان از کافر، مانعی ایجاد نمی‌کند.

در این حکم، اختلافی میان مسلمانان وجود ندارد و روایات مستفیضه<sup>۱</sup> ای<sup>۱</sup> نیز بر این مطلب دلالت دارند که از جمله آنان می‌توان به صحیح‌ه جمیل و هشام از امام صادق (ع) اشاره نمود؛ در صحیح‌ه ی یاد شده، از امام (ع) درباره‌ی روایتی که توسط عموم مردم<sup>۲</sup> از پیامبر نقل شده پرسیده‌اند که پیامبر (ص) فرموده است: «اهل دو ملت<sup>۳</sup> از یکدیگر ارث نمی‌برند»؛ که امام صادق (ع) فرمود: «ما (مسلمانان) از آنان ارث می‌بریم ولی آنان (کفار) از ما ارث نمی‌برند. اسلام در حق کافر فقط تنگنا (و محرومیت) اضافه کرده است».

بنابراین از این روایت معتبر چنین برداشت می‌شود که مقصود حدیث نبوی مشهور که بر نفی توارث میان کفار و مسلمانان دلالت دارد محروم نمودن مسلمانان از ارث بردن ماترک کفار نیست بلکه صرفاً ارث بردن کفار از ماترک مسلمانان را منع نموده است.

### تطبیق

۳- و اما الحجب بالكفر فهو مما لا خلاف فيه،

و اما حاجب بودن کفر، از اموری است که در آن اختلافی نیست.

<sup>۱</sup>. خبر مستفیض (یا خبر مشهور) قسمی از خبر واحد است؛ در صورتی که خبر واحد در هر برهه‌ای از زمان توسط حداقل سه نفر نقل شده باشد، ولی تعداد نقل کنندگان به حد تواتر نرسد، خبر مزبور را «مستفیض» یا «مشهور» می‌گویند.

<sup>۲</sup>. در حدیث یاد شده، از عموم مردم با تعقیب «الناس» یاد شده و مراد از آن در احادیث، عموماً اهل سنت است؛ هر چند که در برخی موارد، پیروان مکتب امامیه اراده می‌شود که در این موارد نیازمند قرینه است.

<sup>۳</sup>. مراد از دو ملت در حدیث یاد شده، ملت اسلام و ملت کفر هستند.



فالكافر لا يرث المسلم، بخلاف المسلم فانه يرث الكافر.

پس کافر از مسلمان ارث نمی‌برد برخلاف مسلم که از کافر ارث می‌برد.

و النصوص فی ذلك مستفیضة، كصحیحة جمیل و هشام عن ابی عبد الله علیه السلام: «روى الناس عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال: لا يتوارث اهل ملتین قال: نرثهم و لا يرثونا، ان الإسلام لم یزده فی حقه الا شدة»<sup>۱</sup> و غیرها.

در این موضوع روایات مستفیضه رسیده است مانند صحیحی جمیل و هشام از امام صادق علیه السلام راجع به روایتی که از پیامبر نقل شده که فرموده: «اهل دو ملت از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ امام فرمود: ما از آنان ارث می‌بریم ولی آنان از ما ارث نمی‌برند. اسلام در حق کافر فقط تنگنا اضافه کرده است». و روایات دیگر.

و قد دلت الصحیحة علی ان المراد من الحديث النبوی المشهور الدال علی نفی التوارث بین اهل ملتین هو نفی التوارث من الطرفين لا نفیه حتی من طرف واحد.

از این روایت معتبر استفاده می‌شود که مقصود از حدیث نبوی مشهور که بر نفی توارث بین دو ملت و دو دین دلالت دارد این است که ارث بردن از دو طرف متنفی است اما از یک طرف را نفی نمی‌کند.

۱. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۷۶ الباب ۱ من ابواب موانع الارث الحدیث ۱۴.

## چکیده

۱. مصادیق حاجب نقصانی عبارتند از:  
الف: فرزندان؛ که حاجب نقصانی پدر و مادر خویش هستند.  
ب: اخوه؛ که در صورت فراهم بودن شرایط، سهم مادر میت را از یک سوم به یک ششم کاهش می‌دهند.  
۲. شرایط حاجب بودن اخوه:  
الف) اخوه شامل دو برادر یا بیشتر، و یا یک برادر و دو خواهر، و یا چهار خواهر باشند.  
ب) اخوهی میت، کلاله ابوینی یا کلاله ابی میت باشند.  
ج) اخوهی میت باید هنگام مرگ میت، متولد شده و زنده باشند.  
د) اخوهی میت، مسلمان و حرّ باشند.  
ه) پدر میت، زنده باشد.  
۳. تقسیم شدن حجب به حرمانی و نقصانی، و هم چنین حاجب بودن طبقات مقدم نسبت به طبقات مؤخر از واضحات فقه است.  
۴. حاجب شدن بعضی از افراد یک طبقه نسبت به بعض دیگر واضح است؛ زیرا به سبب آیه «اولوا الارحام» وارث اقرب مانع ارث بردن وارث ابعد است.  
۵. بر اساس روایات مستفیضه، کفر حاجب حرمانی محسوب شده و باعث می‌شود کافر از مسلمان ارث نبرد ولی مسلمان از کافر ارث می‌برد.  
۶. بر اساس تفسیر امام صادق (ع) از روایت نبوی «لَا يَحْجُبُ ارْثُ اَهْلِ مِلَّتَيْنِ»، مراد از دو ملت، ملت مسلمان و کافر است؛ لکن به این ترتیب که ارث بردن طرفینی ممنوع است ولی ارث بردن مسلمان از کافر اشکالی ندارد.